

# Pp

Pack	دسته - دسته کردن
Pad	جاده - معبر
Pade table	جدول پاده
Page	صفحه ( کتاب )
Pair	زوج - جفت - جفت کردن
Paired	جفت شده
Pairing	عمل جفت کردن
Pair off	جفت کردن - شریک کردن
Pairwise	جفت جفت - دودو
Pairwise coprime	دودو متباین
Pairwise disjoint	دودو جدا از هم
Palindrome	عدد متقارن - عددی که از چپ و راست به یک صورت خوانده شود ، مانند اعداد ۲۷۳ ، ۵۲۱۱۲۵
Palindromic number	عدد متقارن
Pantograph	مشابه نگار
Pantometer	ابزاری برای اندازه گیری کلیه زوایا

$P_n$ - Approximation	تقریب $P_n$
Pappus' theorems	قضایای پاپوس -
۱ - اگر ناحیه سطحی را حول خطی از صفحه‌اش که آنرا قطع نمیکند دوران دهیم	

حجم جسم حاصل برابر است با حاصلضرب مساحت آن ناحیه در مسافت پیموده شده توسط مرکز هندسی آن .

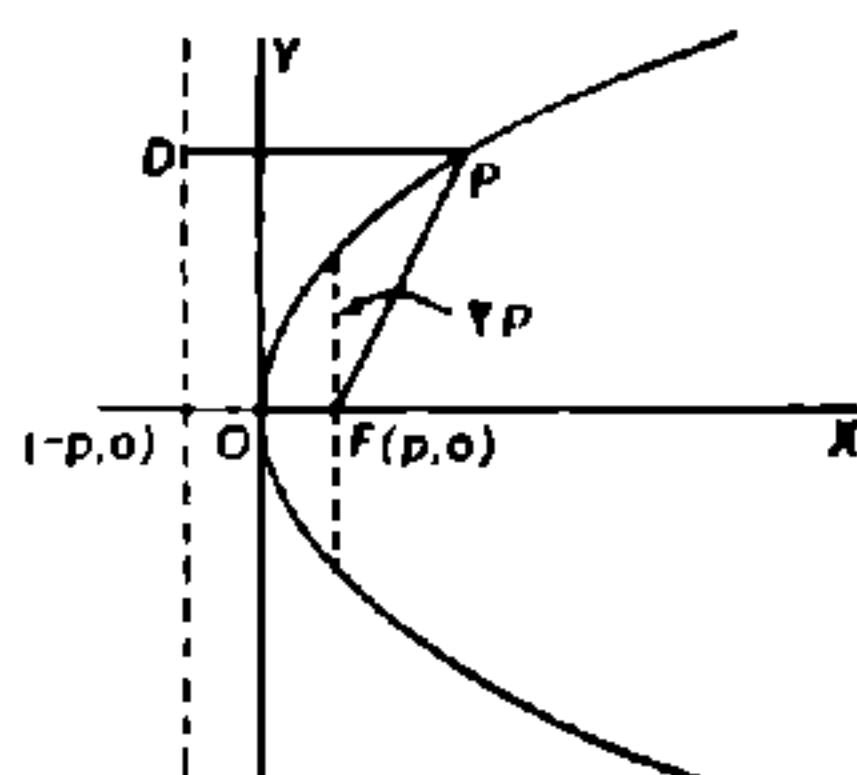
۲ - هرگاه کمائی از یک منحنی سطح را حول خطی از صفحه‌اش که آنرا قطع نمیکند دوران دهیم مساحت رویه حادث بوسیله این کمان برابر است با حاصلضرب طول آن کمان در مسافتی که مرکز هندسی آن می پیماید .

Par تعادل - برابری

Parable قیاس - مقایسه - تمثیل

Parabola

شلجمی - سهمی - مکان هندسی نقاطی که فاصله آنها از یک نقطه به نام کانون و خط ثابتی به نام خط هادی برابر باشد .



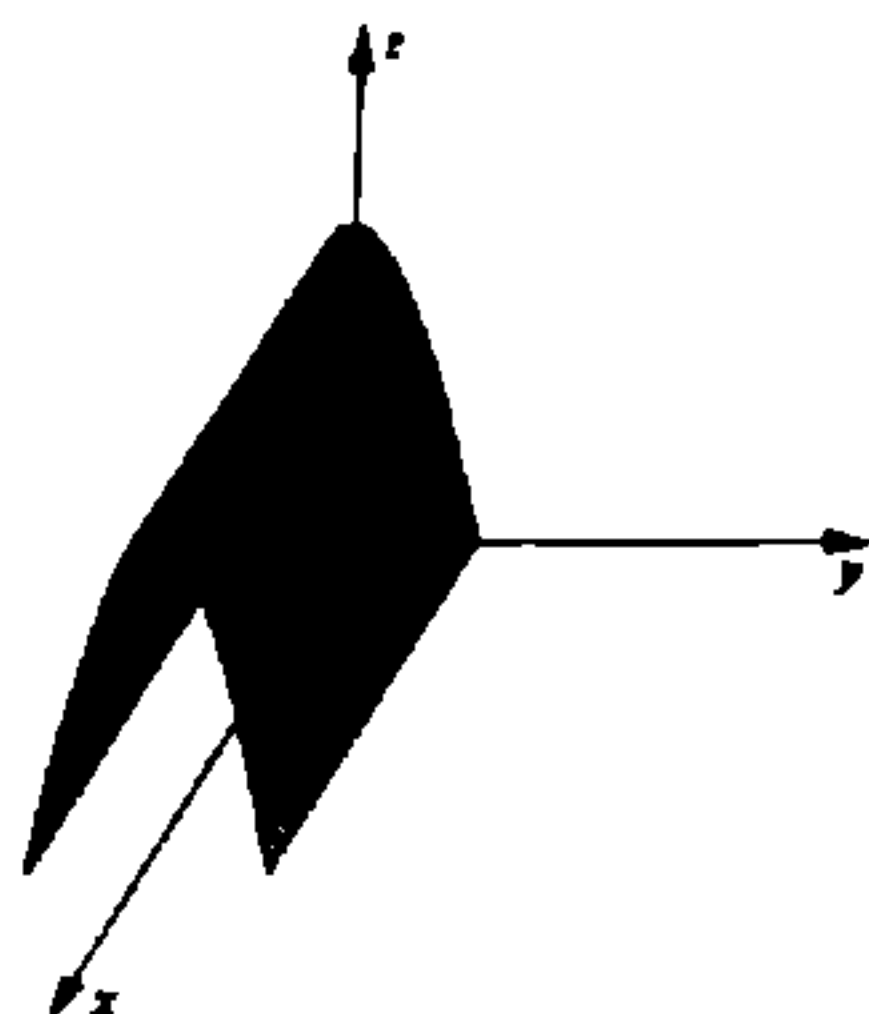
$$y^2 = 4px$$

$$[DP = FP]$$

Parabolic سهمی - شلجمی شکل  
Parabolically بطور سهمی - تمثیلاً

Parabolic cylinder

استوانه سهمی - سطح استوانه‌ای که مقطع قائم آن سهمی باشد.



Parabolic motion

حرکت روی مسیر سهمی

Parabolic reflector

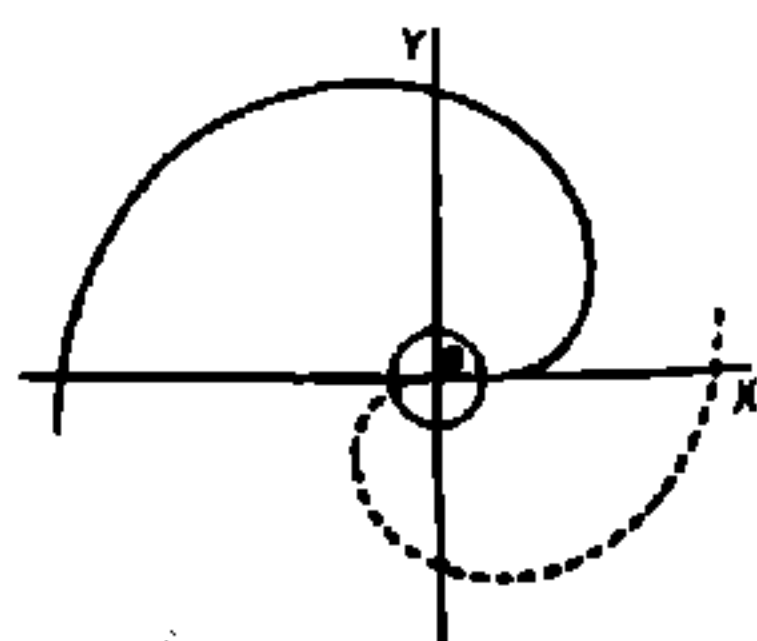
آینه سهمی - آینه شلجمی

Parabolic spiral

مارپیچ شلجمی - منحنی نمایش تغییرات تابع

$$(r - a)^2 = 2ak\theta$$

در دستگاه مختصات قطبی



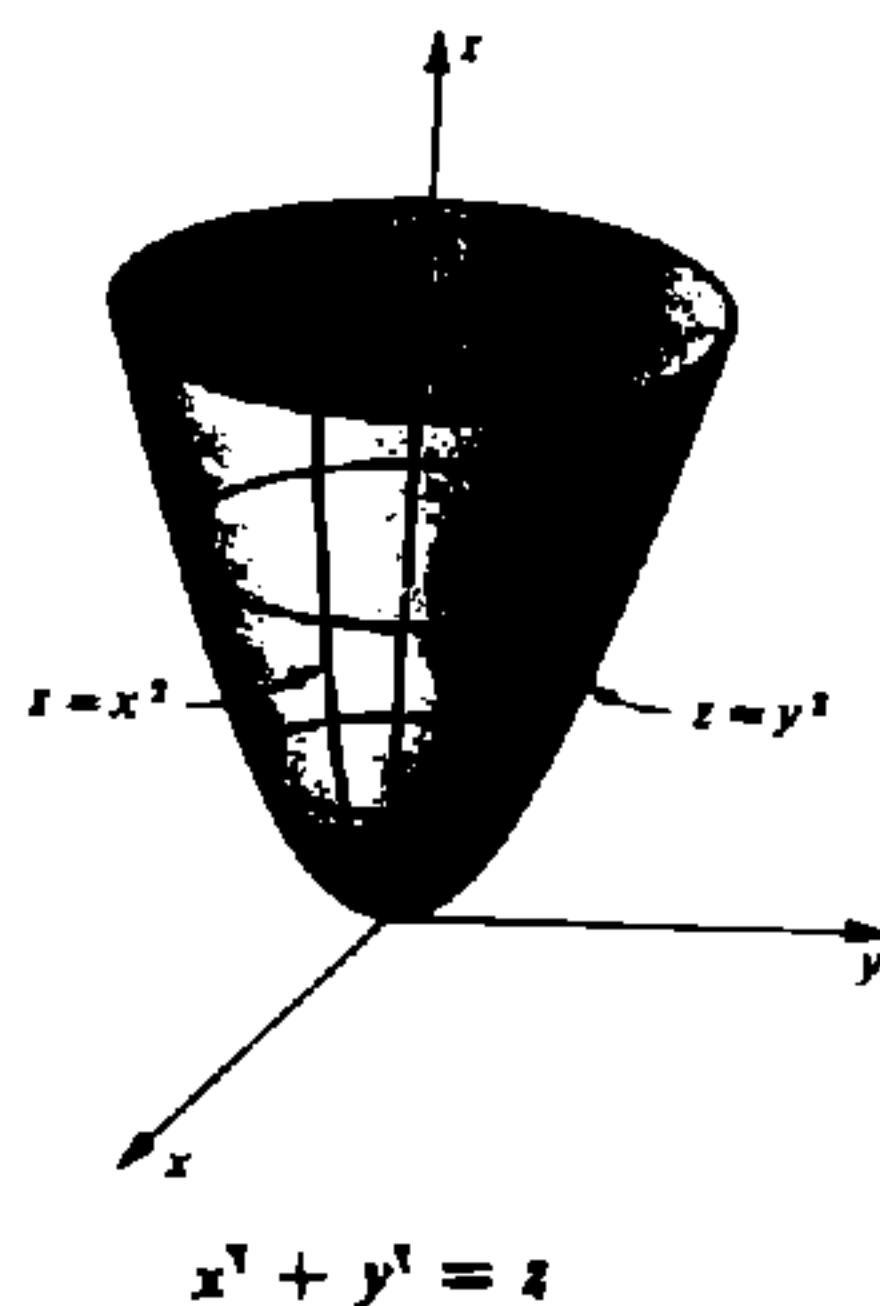
Parabolize سهمی یا سهمی کردن -  
بطور تمثیل بیان کردن

Paraboloidal

مربوط به سهمی - سهمی شکل

Paraboloid of revolution

سهمی دوار



Paracompact space

فضای فرا فشرده - فضای ماورا فشرده -  
فضای هاسدرف  $X$  را فرافشرده گوئیم هر  
گاه برای هر پوشش باز  $F$  از آن یک پوشش  
باز و موضعا "متناهی"  $G$  یافت شود چنانکه  
هر عنصر  $G$  زیر مجموعه عنصری از  $F$   
باشد.

Paradox پارادوکس - تناقض

Paradoxial متناقض

Paradoxie متناقض

Paradoxical متناقض

Paradox of Russell

تناقض راسل - فرض می‌کنیم  $P$  مجموعه  
کلیه مجموعه‌هایی باشد که به خودشان  
متعلق نباشد. آنگاه اگر  $P \in P$  بنا به فرض  
نتیجه می‌شود  $P \notin P$  و اگر  $P \notin P$  بنا به فرض  
نتیجه می‌شود  $P \in P$

Paragraph پاراگراف - بند

Parallel موازی - موازی کردن

## Parallel axes theorem

قضیه محورهاى موازى - هرگاه گشتاور ماند جسم صلبى نسبت به محور مار بر گرانيگاه آن  $I_c$  باشد، آنگاه گشتاور ماند جسم مزبور نسبت به محورى موازى با محور مذکور برابر است با  $I_c + Md^2$  که در آن  $M$  جرم کل جسم و  $d$  فاصله دو محور از یکدیگر مى باشد.

Parallel displacement تغییر مکان موازى

## Parallelepiped

موازى السطوح - یک چند وجهى که تمام وجوه آن موازى الاضلاع هستند.

Parallelism توازى

Parallelize موازى کردن

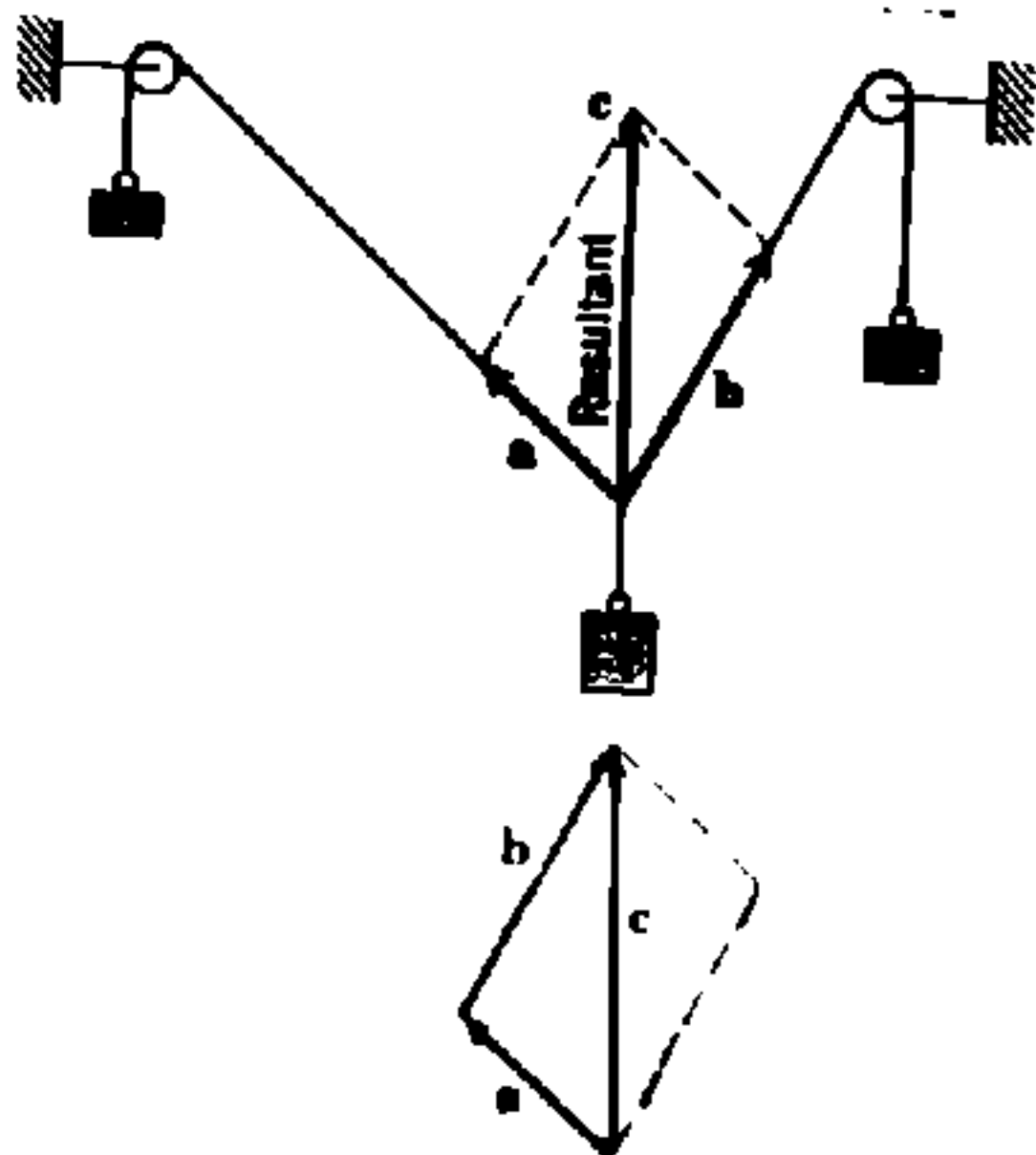
Parallel lines خطوط موازى

Parallelogram موازى الاضلاع -

یک چهار ضلعى که اضلاع روبروى آن موازى هستند.

## Parallelogram law

قانون موازى الاضلاع



## Parallelotope

موازى السطوحى که اضلاع آن به نسبت  $\frac{1}{p}$  و  $\frac{1}{q}$  باشند.

Parallel planes صفحات موازى

Parallel surfaces سطوح موازى

Parallel vectors بردارهاى موازى

## Paralogism

قياس نادرست - استدلال غلط

Parameter پارامتر - پرديزه

Parametric پارامترى - پرديزه‌اى

## Parametric curves

منحنى هاى پارامترى - خصاى پارامترى - بريك روييه كه با معادلات  $x = f(u, v)$  و  $y = g(u, v)$  و  $z = h(u, v)$  مشخص شده است، دسته منحنى هاى را كه با قراردادن مقادير ثابت مختلف بجای  $u$  یا  $v$  بدست مى آيند دسته منحنى هاى پارامترى مى گویند.

## Parametric equation

معادله پارامترى - معادله پرديزه‌اى

## Parametric equations of a hyperbola

معادلات پارامترى يك هذلولى - معادلات پرديزه‌اى يك هذلولى عبارتند از:

$$\begin{aligned} x &= a \cosh t \\ y &= b \sinh t \end{aligned}$$

## Parametric interval

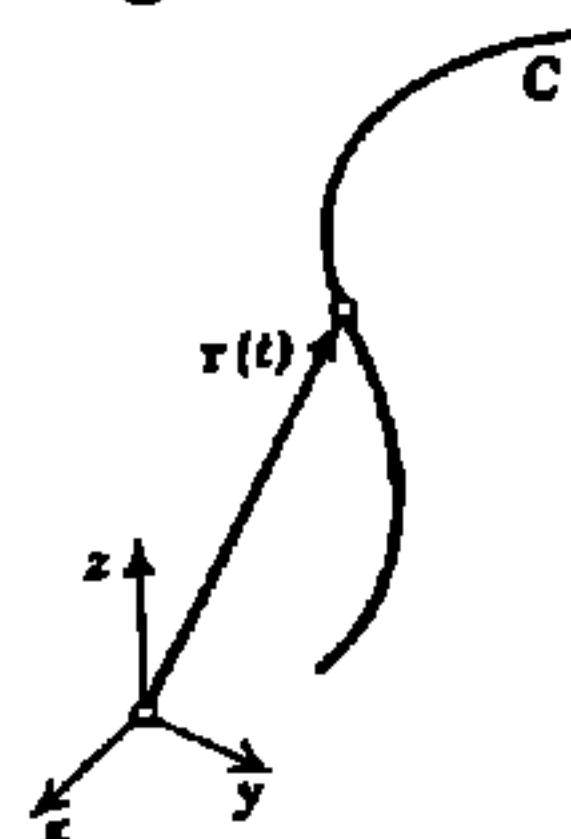
فاصله پارامترى - بازه پارامترى

## Parametric representation

نمایش پارامترى

## Parametric representation of a curve

نمایش پارامترى يك منحنى



Parametrization	پرمایش
Paramount	برسر - بزرگتر
Parenthesis	پرانتز
Parenthesize	پرانتز گذاردن
Pareto distribution	توزیع پارتو - توزیعی پیوسته با پارامترهای $x, \theta$ و تابع چگالی احتمال:
	$f(x) = \begin{cases} \frac{\theta}{x_*} \left(\frac{x_*}{x}\right)^{\theta+1} & (x > x_*) \\ 0 & (x \leq x_*) \end{cases}$
	که در آن $\theta > 0$ و $x_* > 0$
Parity	زوجیت - توازن - تشابه - تساوی
Parsec	واحد اندازه‌گیری طول معادل ۳۰۶۲۶۵ برابر شعاع مدار زمین و یا ۳/۲۶ سال نوری و یا ۱۹/۲ تریلیون مایل
Parseval's identity	اتحاد پارسوال - تساوی پارسوال
Parseval's relation	رابطه پارسوال - تساوی پارسوال
Part	قسمت - بخش - جز
Parted	تقسیم شده - مجزا
Partial	نسبی - جزئی - پاره‌ای
Partial derivative	مشتق پاره‌ای - مشتق نسبی - مشتق جزئی
Partial derivation with respect to...	مشتق‌گیری جزئی نسبت به ...
Partial derivative symbol	علامت مشتق جزئی - علامت $\partial$
Partial differential	دیفرانسیل پاره‌ای - دیفرانسیل جزئی

Partial differential coefficients	ضرایب دیفرانسیل پاره‌ای - مشتقات پاره‌ای
Partial differential equation	معادله دیفرانسیل پاره‌ای - معادله دیفرانسیل جزئی - مشتقات جزئی
Partial differentiation	مشتق‌گیری پاره‌ای - مشتق‌گیری نسبی - مشتق‌گیری جزئی
Partial fractions	کسرهای جزئی: کسرهائی بصورت
	I. $\frac{A}{(x-a)^n}$ ( $n$ عددی است طبیعی)
	یا
	II. $\frac{Mx + N}{(x^2 + px + q)^n}$
	مشروط به آنکه عبارت $x^2 + px + q$ به عوامل خطی حقیقی تجزیه نشود.
Partial fraction decomposition	تجزیه به کسرهای جزئی
Partial integral	انتگرال نسبی - انتگرال جزئی
Partially	جزئی - جزئا
Partially ordered set	مجموعه مرتب جزئی - مجموعه مرتب به ترتیب جزئی
Partial order	ترتیب جزئی - رابطه $R$ در مجموعه $A$ را یک ترتیب جزئی در $A$ گوئیم هرگاه:
	الف - به ازای هر $a \in A$ ، $(a, a) \in R$
	(خاصیت انعکاسی)
	ب - اگر $(a, b) \in R$ ، $(b, a) \in R$ ، آنگاه $a = b$
	(خاصیت پادمتقارنی)

ج- اگر  $(a,b) \in R$  و  $(b,c) \in R$  و  $(a,c) \in R$  آنگاه  $R$  (خاصیت تعدی)

Partial ordering relation

رابطه، ترتیب جزئی - نسبت ترتیبی جزئی

Partial powers of a triangle

قوت های جزئی مثلث - بنا به تعریف قوت جزئی مثلث  $A_1, A_2, A_3$  نسبت به رأس، مثلاً " $A_1$ " عبارت است از:

$$p_1 = \frac{1}{4}(a_2^2 + a_3^2 - a_1^2)$$

Partial product حاصلضرب جزئی

Partial sum مجموع جزئی

Partial summation formula of Abel

دستور جمع بندی جزئی آبل - هرگاه  $\{a_n\}$  و  $\{b_n\}$  دنباله های از اعداد مختلط بوده و  $A_n = a_1 + a_2 + \dots + a_n$  آنگاه:

$$\sum_{i=1}^n a_i b_i = A_n b_{n+1} - \sum_{i=1}^n A_i (b_{i+1} - b_i)$$

Partibility

قابلیت تفکیک - بخش پذیری

Partible بخش پذیر - قابل تفکیک

Particle نقطه مادی - ذره

Particular

خاص - خصوصی - ویژه - جزئی

Particularity

جزئیات - خصوصیات برجسته

Particularization ذکر جزئیات

Particular solution

جواب خصوصی - جواب ویژه - حل ویژه - حل خصوصی

Parting تقسیم - جداسازی - تفکیک

Partition افراز - پارش - پارتیشن

Partition of an integer

افراز یک عدد صحیح - مجموعه ای از اعداد صحیح که مجموع آنها مساوی با عدد صحیح مورد نظر باشد.

Partition of an interval

پارتیشن یک فاصله - پارش یک فاصله - افراز یک فاصله - مجموعه، نقاط

$$p = \{x_0, x_1, \dots, x_n\}$$

را یک پارتیشن برای فاصله، متناهی  $[a, b]$  گویند هرگاه:

$$a = x_0 < x_1 < \dots < x_n = b$$

Partition of a positive integer

افراز یک عدد صحیح مثبت - نمایشی از یک عدد طبیعی بصورت مجموعی از اعداد طبیعی

Partition of a set

افراز یک مجموعه - مجموعه،  $P$  از زیر مجموعه های غیر تهی  $S$  را یک افراز  $S$  گویند هرگاه این خواص در مورد آن برقرار باشد:

۱- اشتراک هر دو عضو متمایز از  $P$  تهی باشد.

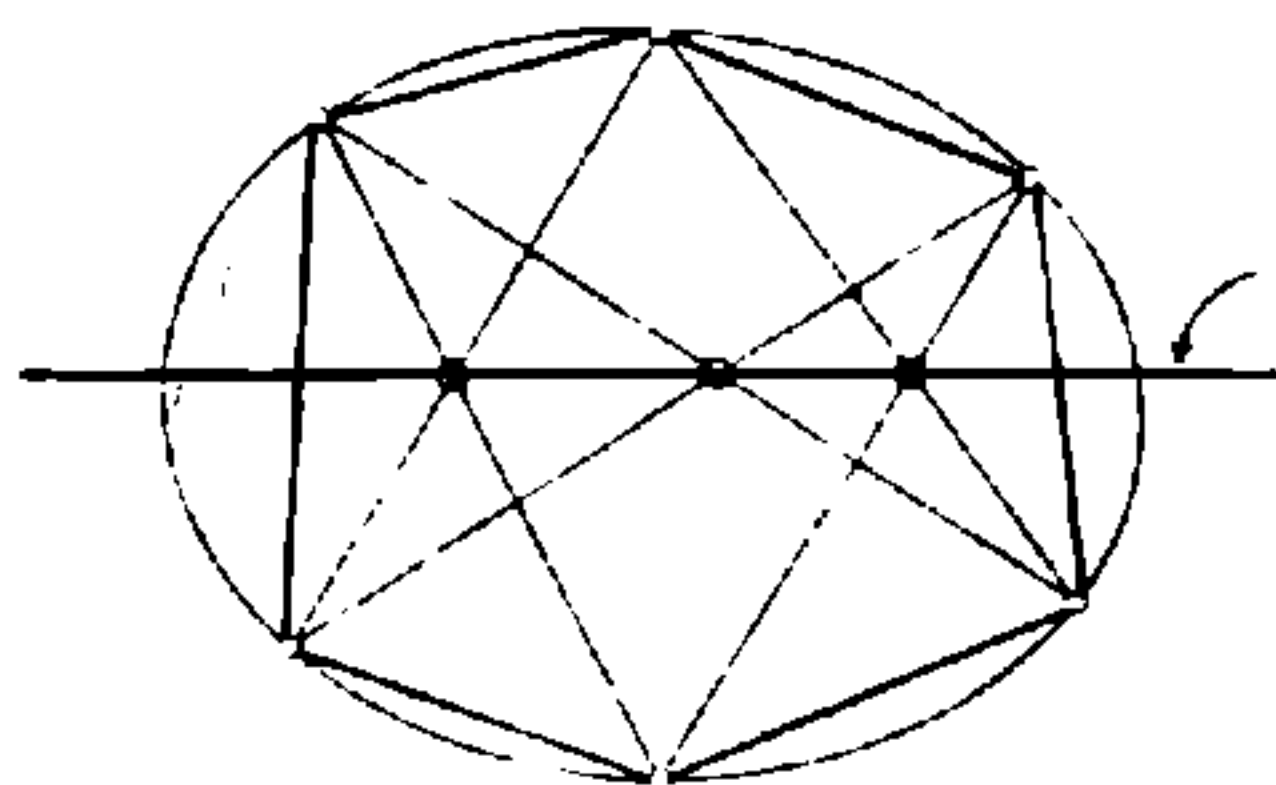
۲- هر عنصر  $S$  متعلق به یکی از اعضای  $P$  باشد.

Partitive جدا کننده - قسمی

Pascal line

خط پاسکال - خط گذرنده از نقاط تلافی خطوط واصل بین رئوس مقابل یک شش ضلعی محاط در یک مقطع مخروطی

( شکل در صفحه بعد )



### Pascal's distribution

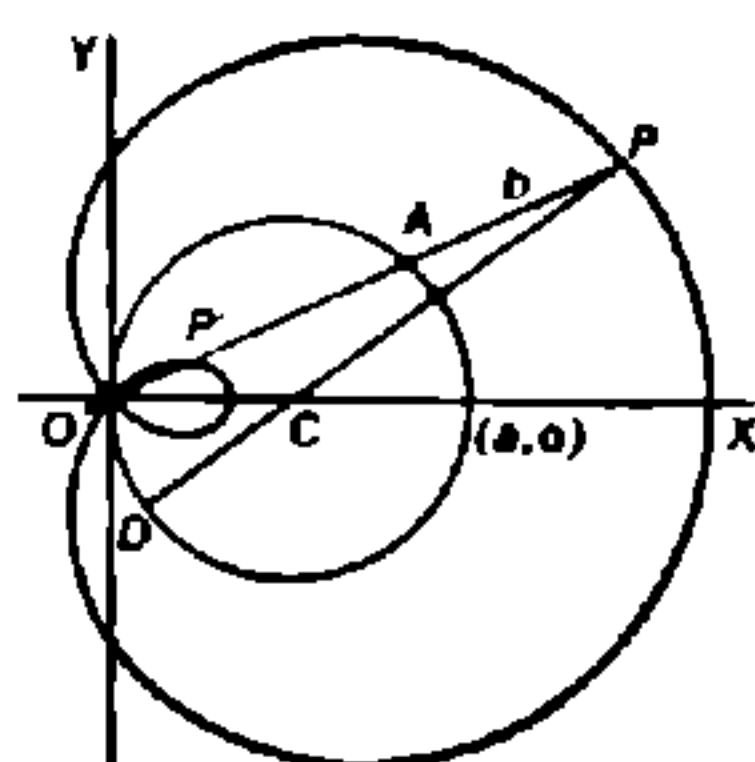
توزیع پاسکال - توزیع دو جمله‌ای منفی

### Pascal's limaçon

حلزونی پاسکال - منحنی با معادله

$$\rho = b + a \cos \theta$$

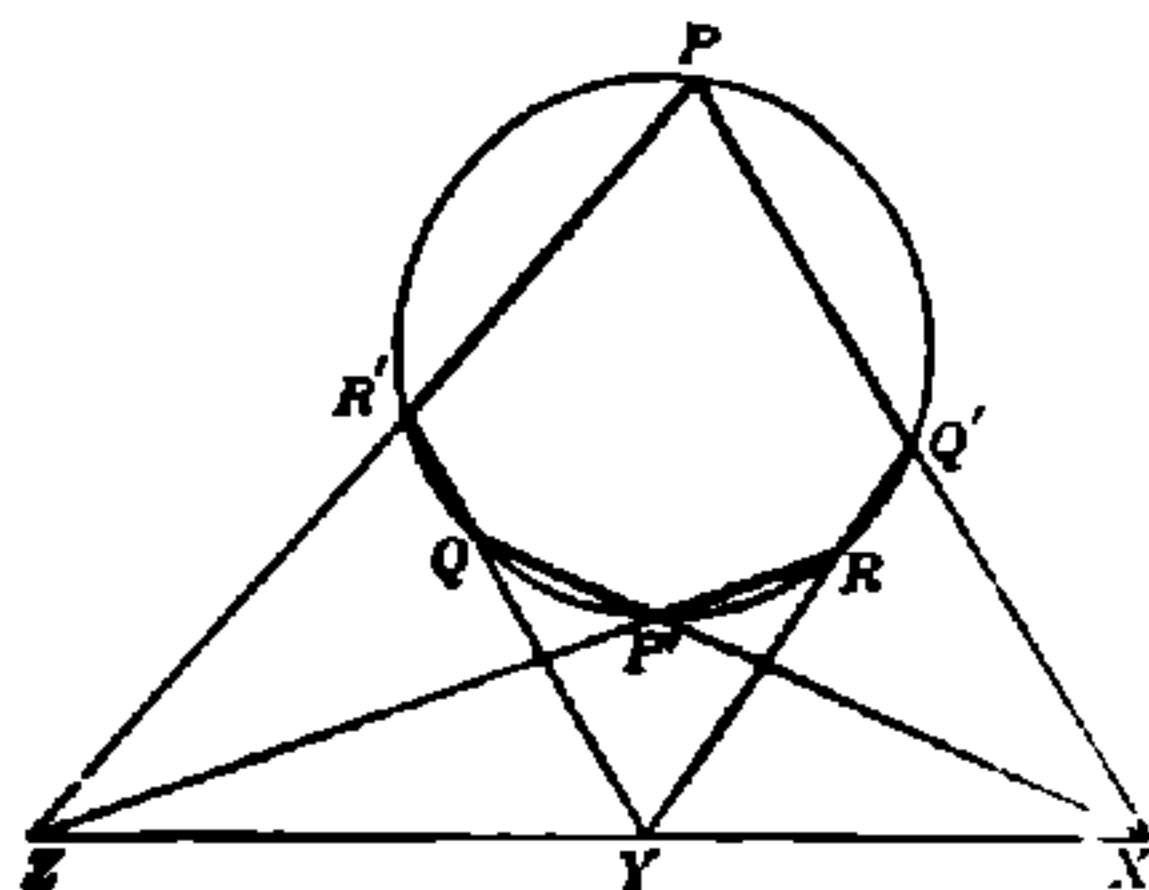
در دستگاه مختصات قطبی



### Pascal's theorem

قضیه پاسکال - در هر شش ضلعی محاط

در یک مقطع مخروطی محل تلاقی اضلاع  
مقابل



### Pascal's triangle (مثلث پاسکال)

				۱				
			۱		۱			
		۱		۲		۱		
	۱		۳		۳		۱	
۱		۴		۶		۴		۱
	۵		۱۰		۱۰		۵	

Pass گذشتن - عبور کردن

Passage معبر - گذرگاه

Pass - band ناحیه عبور

Pass through... از میان ... گذشتن

### Path

مسیر - گذر - گذار - گیریم  $X$  یک فضای

توپولوژی بوده و  $x$  و  $y$  اعضای از آن

باشند. یک مسیر از  $x$  به  $y$  در  $X$  عبارت

است از نگاشت پیوسته‌ای مانند

$$f: [a, b] \rightarrow X$$

بطوریکه  $f(b) = y, f(a) = x$

### Path - connected

همبند مسیری - فضای توپولوژی  $X$  راهمند

مسیری گویند هرگاه دو نقطه از  $X$  بوسیله

مسیری در  $X$  به یکدیگر وصل شوند.

Path curves منحنی‌های مسیر

Pathwise connected همبند مسیری

Pattern طرح - الگو

Patternmaker الگو ساز

Peak قله - حداکثر - رأس

Peaked دارای قله - نوک تیز

Peano's five axioms پنج اصل پیانو -

اصول موضوعه پیانو در باره اعداد طبیعی

### Pearsonian distributions

توزیعهای پیرسنی - اگر  $g(x)$  تابع چگالی

احتمال متغیر تصادفی  $X$ ، به ازاء مقادیر

مناسب  $a, b_1, b_2, b_3$  در معادله دیفرانسیل:

$$\frac{d\varphi}{dx} = \frac{x+a}{b_0 + b_1x + b_2x^2} \varphi(x)$$

صدق کند، آنگاه گوئیم  $X$  دارای توزیع پیرسنی است.

Peculiar مستقل - خاص - ویژه - عجیب

Peculiarity

کیفیت عجیب و غریب بودن - حالت ویژگی - غرابت

Peculiarly

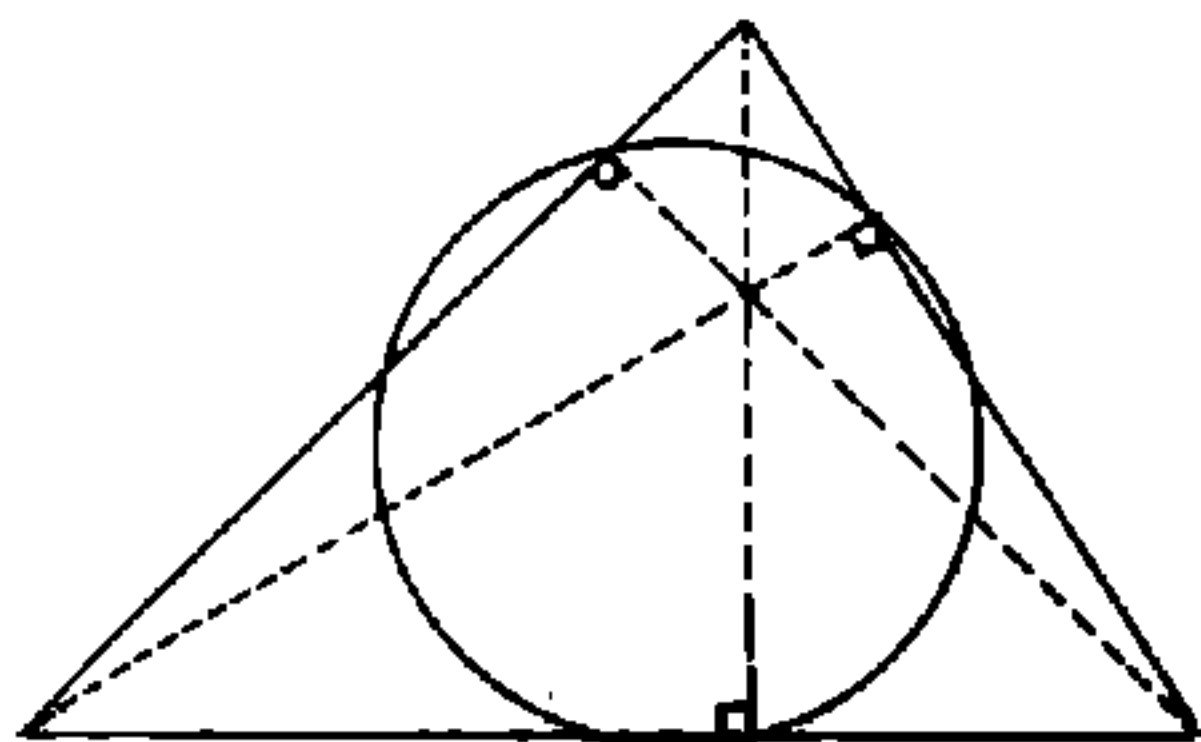
انفراداً - بطور خاص - بطور مجزا - بطور مستقل - غیر معمول

Pedal

پدال - رکاب - جاپایی - پایی

Pedal circle

دایره پایی - دایره محیطی مثلث پایی



Pedal curve منحنی پایی -

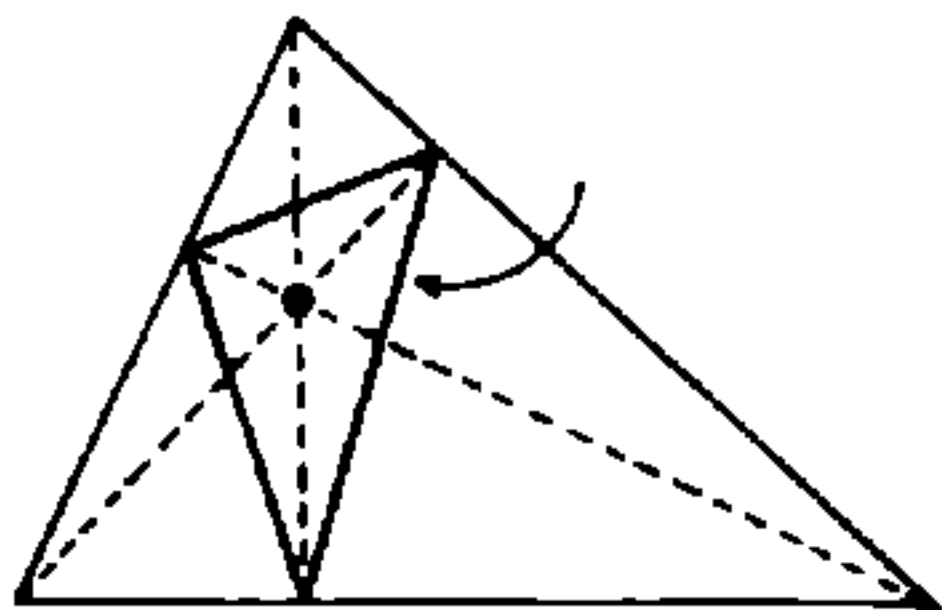
اگر  $C$  یک منحنی و  $O$  یک نقطه ثابت باشد، مکان هندسی پای عمودهایی که از  $O$  بر مماسهای مختلف منحنی  $C$  رسم می‌شوند منحنی پایی منحنی  $C$  نامیده می‌شود.

Pedal line

خط پایی - خط راست ماربرسه پای عمودهای وارده بر اضلاع مثلثی دلخواه از یک نقطه دایره محیطی آن.

Pedal triangle

مثلث پایی - مثلثی که از بهم وصل کردن پای ارتفاعات یک مثلث بدست می‌آید.



Peer

همتا - جفت - قرین - برابر بودن با - برابر کردن - هم درجه کردن

Pell's equation معادله پل -

معادله سیاله  $x^2 - dy^2 = 1$  را که در آن  $d$  مجذور کامل نیست، معادله پل گویند.

Penalty function تابع جریمه

Pencil مداد - دسته

Pencil of circles

دسته دوائر - مجموعه کلیه دوائر واقع در یک صفحه که از دو نقطه بخصوص می‌گذرند - خط شامل دو نقطه مزبور را محور اصلی دوائر مینامند.

Pencil of lines

دسته خطوط - اشعه خطوط - مجموعه تمام خطوط ماربریک نقطه ثابت.

Pencil of lines through a point

دسته خطوط گذرنده از یک نقطه - اشعه خطوط

Pencil of parallel lines

دسته خطوط موازی - مجموعه تمام خطوط موازی با یک امتداد ثابت

Pencil of plane algebraic curves

دسته منحنی های جبری سطحه ( مار پر  
یک نقطه ثابت )

Pencil of planes — دسته صفحات —

مجموعه تمام صفحات مار بر یک خط

Pencil of spheres

دسته کرات — مجموعه کلیه کرات مار بر  
دایره ای ثابت — صفحه شامل دایره مزبور  
را صفحه اصلی دسته کرات نامند .

Pendant

معلق — آویخته — لنگه — نامعلوم — قرین

Pendant to each other قرینه یکدیگر

Pendulum پاندول — آونگ

Pendulum property of a cycloid

خاصیت آونگی سیکلوئید

Pent پنج — پیشوندی به معنای پنج

Penta پنج — پیشوندی به معنای پنج

Pentad دسته پنج تایی — مدت پنج روزه —

یک عنصر ، اتم یا بنیان پنج ظرفیتی

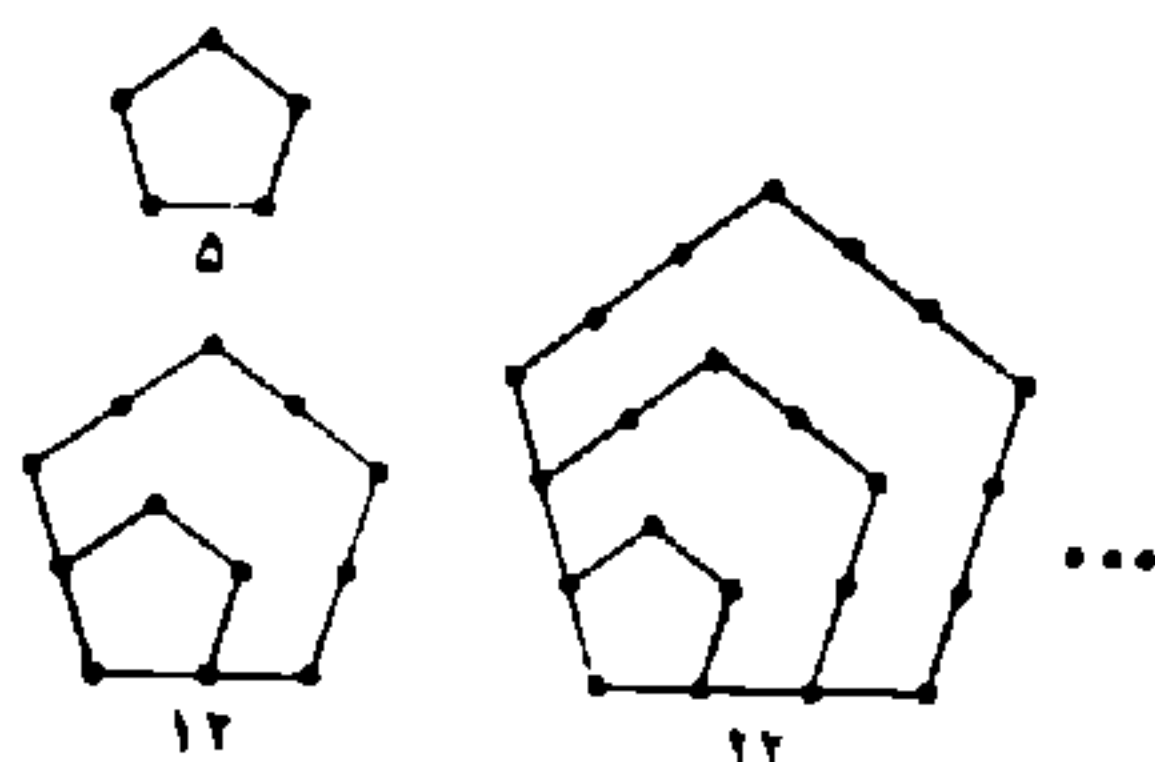
Pentadecagon پانزده ضلعی

Pentagon پنج ضلعی

Pentagonal پنج ضلعی — پنج گوش

Pentagonal numbers اعداد مخمی —

تعداد نقاط هر یک از پنج ضلعی های زیر



Pentagonal prism

منشور مخمی القاعده

Pentagram ستاره پنج پر

Pentagram of pythagoras

ستاره پنج پر فیثاغورث — ستاره حاصل از  
تقاطع اقطار یک پنج ضلعی منتظم



Pentahedral پنج وجهی — پنج رویه

Pentahedron جسم پنج وجهی

Pentangle

ستاره پنج پر حاصل از تقاطع اضلاع یک  
پنج ضلعی منتظم



Pentangular پنج ضلعی

Penult ماقبل آخر — قبل از آخر

Per

برای هر — در هر — از طریق — در جهت

Perambulate

پیمودن — گردش کردن — دور زدن

Perambulation پیمایش — گردش

Per annum سالیانه

Percent درصد

Percentage درصد — پورسانتاز

Percentage error خطای درصدی

Percentage point نقطه درصدی

Percentile صدک

Percent of error درصد خطا

Perfect کامل — تمام



Perfect cube	مکعب کامل	Periodic behaviour	رفتار تناوبی
Perfectly	کاملاً " - تماماً "	Periodic constant	ثابت متناوب
Perfect number		Periodic continued fraction	
	عدد کامل - عدد تام - عدد صحیح و مثبت		کسر مسلسل متناوب
	$n$ را کامل نامیم هرگاه مجموع مقسوم علیه های آن برابر $n$ باشد .	Periodic curve	منحنی متناوب
Perfect power	توان کامل - قوه کامل	Periodic decimal	
			عدد اعشاری متناوب
Perfect set		Periodic decimal fraction	
	مجموعه کامل - در یک فضای توپولوژیک $X$ مجموعه $A \subseteq X$ را کامل گوئیم هرگاه $A$ با مجموعه نقاط حدی خود برابر باشد .		کسر اعشاری متناوب
Perfect square		Periodic fraction	کسر متناوب
	مجذور کامل - مربع کامل	Periodic function	
Perform			تابع متناوب - تابع $f(x)$ از یک متغیر حقیقی و یا مختلط را متناوب با دوره تناوب $T$ می نامند هرگاه به ازاء هر $x$ ،
	انجام دادن - اجرا کردن - نمایش دادن		$f(x + T) = f(x)$
Pericycloid	نوعی هیپوسیکلوئید	Periodic function of a complex variable	تابع تناوبی با متغیر مختلط
Perigee	حضیض	Periodic function of a real variable	تابع تناوبی با متغیر حقیقی
Perigon			تناوب
	یک دوران کامل - دوران $360^\circ$ یا $2\pi$ رادیان	Periodicity	تناوب
Perihelion		Periodic motion	حرکت متناوب
	سمت الشمس - نزدیکترین نقطه مدار سیارات یا اجسام سماوی ( که حول خورشید دوران می کنند ) از خورشید	Period in arithmetic	تناوب در حساب
Perimeter	محیط - پیرامون	Period in astronomy	
			زمان لازم برای یک مدار گردش
Perimeter of a polygon		Period interval	
	محیط چند ضلعی - مجموع طول اضلاع یک چند ضلعی		فاصله تناوب - بازه تناوب
Period	دوره تناوب - تناوب - دوره	Period of a function	دوره تناوب یک تابع
Periodic	تناوب - دوره ای - تناوبی	Period of a group element	
Periodical	متناوب - تناوبی		دوره تناوب یک عضو گروه - مرتبه یک
Periodically	متناوباً "		عضو گروه

Period of oscillation

دوره، تناوب نوسان - مدت زمان لازم برای یک نوسان کامل

Peripheral محیطی - پیرامونی - جنبی

Peripheral speed

سرعت دستگاه جنبی

Peripheric

محیطی - پیرامونی - جنبی

Periphery محیط - پیرامون

Periphery of a circle

محیط یک دایره

Permanence

دوام

Permanent دائمی - ثابت - پایدار

Permanently

بطور ثابت - بطور پایدار - دائماً

Permit اجازه دادن - مجاز کردن

Permutation

جایگشت - اگر  $X$  یک مجموعه، ناتهی باشد هر تابع دوسوئی  $X \rightarrow X$  را یک جایگشت عناصر  $X$  می‌نامند.

Permutation group

گروه جایگشتی - گروهی که اعضای آن جایگشت‌های عناصر یک مجموعه و عمل آن ترکیب توابع می‌باشد.

Permutation with repetition

جایگشت با تکرار

Permute

جابجا کردن - تغییر ترتیب دادن - پس و پیش کردن

Perpendicular

متعامد

Perpendicular bisector عمود منصف

Perpendicularity

تعامد

Perpendicular line

خط عمود - خط قائم

Perpendicularly

عموداً - بطور عمودی

Perpendicular plane

صفحه، عمود - صفحه، قائم

Perpetual همیشگی - دائمی - ابدی

Perpetual calendar تقویم ابدی

Perron - Frobenius theory

نظریه، "پرون - فروبنیوس" - مطالعه، ماتریسهای با عناصر مثبت و مقادیر ویژه، آنها، و بهخصوص کاربردهای قضیه، "پرون - فروبنیوس"

Persistent

پابرجا

Perspective

پرسپکتیو

Perturbation

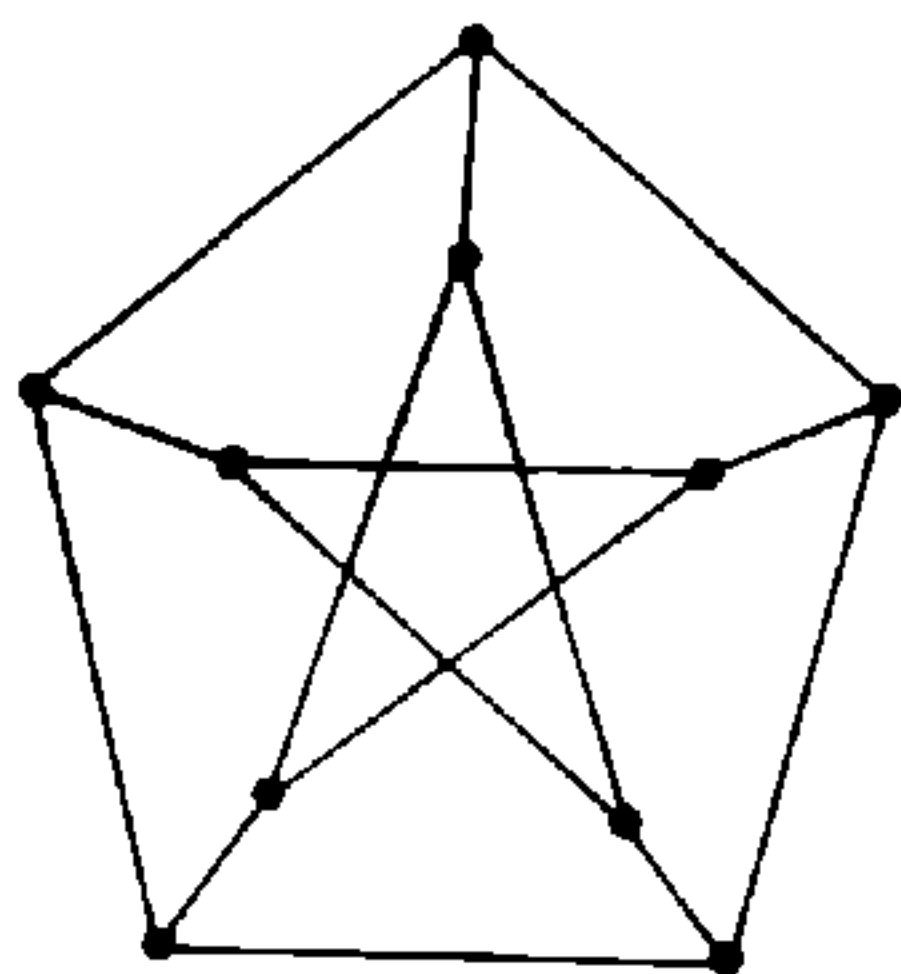
آشفته‌گی - اختلال

Perturbation theory

نظریه، اختلال - مطالعه، جوابهای معادلات دیفرانسیل عادی و پاره‌ای از دیدگاه اختلال جوابها

Petersen graph

گراف پیترسون



Petito principii

مصادره بر مطلوب

Phase	فاز - حالت	Pictorial	تصویری - مصور
Phase angle	زاویه فاز - اختلاف فاز	Pictorially	بصورت تصویری
Phase of a complex number		Picture	تصویر
آرگومان یک عدد مختلط - در عدد مختلط		Piecewise	قطعه به قطعه
$r(\cos \theta + i \sin \theta)$ زاویه $\theta$ را آرگومان می نامند		Piecewise constant	قطعه به قطعه ثابت
Phaseplate		Piecewise continuous function	تابع قطعه به قطعه پیوسته
صفحه، تغییر فاز - صفحه‌ای شفاف متشکل از ماده‌ای با شکست مضاعف که فاز نسبی مؤلفه‌های یک نور قطبی شده را تغییر می‌دهد.		Piecewise differentiable	قطعه به قطعه مشتق پذیر
Phenomen	پدیده - رخداد	Piecewise linear	قطعه به قطعه خطی
Phenomenon	پدیده - رخداد	Piecewise linear function	تابع قطعه به قطعه خطی
Phi - function		Piecewise monotone	قطعه به قطعه یکنواخت
تابع فی - تابع $\varphi$ ی اوپلر - تابعی حما بی با نماد $\varphi$ بطوریکه به ازاء هر $n \geq 1$ ، بنا به تعریف، $\varphi(n)$ برابر است با تعداد اعداد طبیعی نابیشتر از $n$ که متباین با $n$ باشند.		Piecewise smooth	قطعه به قطعه هموار
Phosphorescence	شب تاب	Piecewise smooth curve	منحنی قطعه به قطعه هموار
Photoelectricity	فتوالکتریسیته - الکتریسیته نوری	Piecewise smooth path	مسیر قطعه به قطعه هموار
Photoluminescence		Pigeonhole principal	اصل لانه کبوتر - اصل دیریکله - فرض می‌کنیم $m$ عددی طبیعی و $A$ مجموعه‌ای نامتناهی یا مجموعه‌ای متناهی و دارای بیش از $m$ عضو باشد، آنگاه اگر اعضای $A$ را بین $m$ مجموعه تقسیم کنیم، یکی از این مجموعه‌ها مشتمل بر حداقل دو عضو از اعضای $A$ خواهد بود.
Physics	علم فیزیک	Pint	واحد حجم معادل یک هشتم گالن
Pi	$\pi$ - پی - عدد پی - نسبت محیط دایره به قطر آن که تقریباً معادل $3.1415926$ می‌باشد.	Pitch	گام
Picard's method	روش پیکارد - روش تکراری برای حل معادلات دیفرانسیل		
Pico	پیشوندی به معنی $10^{-12}$		

Pitch of screw	پای پیچ - گام پیچ	Plane of symmetry	صفحه تقارن
Pivot		Plane quadrilateral	
	محور - مدار - نقطه اتکا - چرخیدن - چرخاندن - روی پاشنه چرخیدن		چهار ضلعی سطح - یک چهار ضلعی واقع در صفحه اقلیدسی
Pivotal	مدار - محور - محوری - مداری	Plane region	ناحیه سطح
Place	جا - مکان - قرار دادن	Plane surface	سطح متوی
Place holder		Planet	سیاره
	جایبان - نمادی در یک گزاره یا عبارت که بجای آن می توان اسمی یا مقادیر مختلفی را نوشت	Planetary	نجومی - سیاره ای - سیاره وار
Place value	ارزش مکانی	Planetary motion	حرکت نجومی
Plain	پهن - سطح - هموار - ماده	Planetoid	جرم سماوی
Plan	برنامه - طرح - نقشه	Planetology	سیاره شناسی
Planar	سطح - واقع بر یک صفحه	Plane trigonometry	مثلثات مسطحه
Planar point of a surface		Plane wave	موج تخت
	نقطه سطح یک سطح	Planimeter	مساحت سنج - سطح پیم - پهنه سنج
Plane		Planimetry	اندازه گیری سطوح
	صاف - سطح - صفحه - سطح تراز	Planish	صاف و محکم کردن
Plane angle		Plate	
	زاویه سطح - زاویه بین دو خط در صفحه اقلیدسی		صفحه - ورقه - لوح - روکش کردن - متورق کردن
Plane coordinates		Platonic	افلاطونی
	مختصات سطح - مختصات متوی	Platonic solid	جسم افلاطونی
Plane curve	منحنی سطح	Plausible	
Plane figures			باور کردنی - پذیرفتنی - محتمل
	اشکال مسطحه - اشکال متوی	Play	بازی - بازی کردن
Plane geometry		Plot	
	هندسه سطح - مطالعه خواص اشکالی از قبیل خط، مثلث و چند ضلعی در صفحه اقلیدسی		نقشه - طرح - موقعیت - نقطه - قطعه - نقشه کشیدن - طرح ریزی کردن
Plane number	عدد سطح	Plotter	رام
		Plotting	ترسیم

Plotting a curve رسم یک منحنی

Plumb شاقول - عمودی - بطور عمودی

Plural جمع

Plus به اضافه - بعلاوه

Plus infinity بینهایت مثبت

Plus sign علامت جمع (+)

Poincare - Birkoff fixed point theorem

قضیه نقطه ثابت پوانکاره - بیرکوف

Point

نقطه - نوک - رأس - نکته - هدف - قله - پایان

Point at infinity

نقطه در بینهایت - نقطه واقع در بینهایت

Point - by - point plotting of a

رسم نقطه به نقطه یک منحنی curve

Point - by - point plotting of a

رسم نقطه به نقطه یک تابع function

Point d'appui

نقطه اتکا - پایه - فونداسیون

Point function تابع نقطه‌ای -

تابعی که قلمرو آن مجموعه‌ای از نقاط باشد .

Point of application نقطه اثر

Point of contact

نقطه تماس - نقطه اتصال

Point of departure نقطه آغاز

Point of discontinuity

نقطه ناپیوستگی - نقطه انفصال

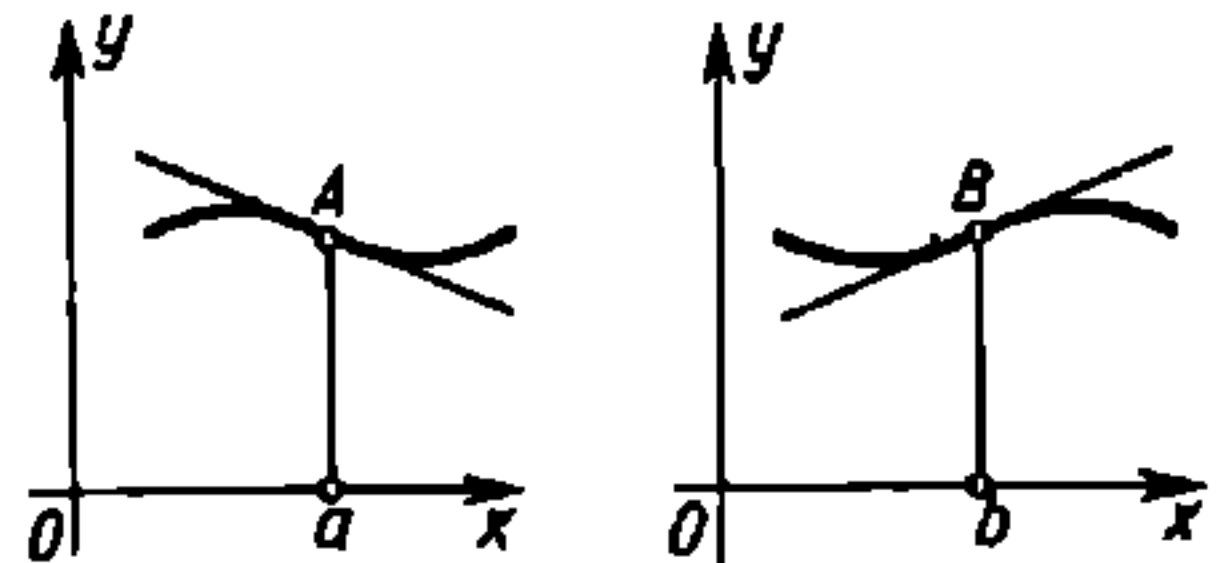
Point of discontinuity of a function

نقطه انفصال یک تابع - نقطه‌ای که در آن

تابع ، پیوسته نباشد .

Point of inflection

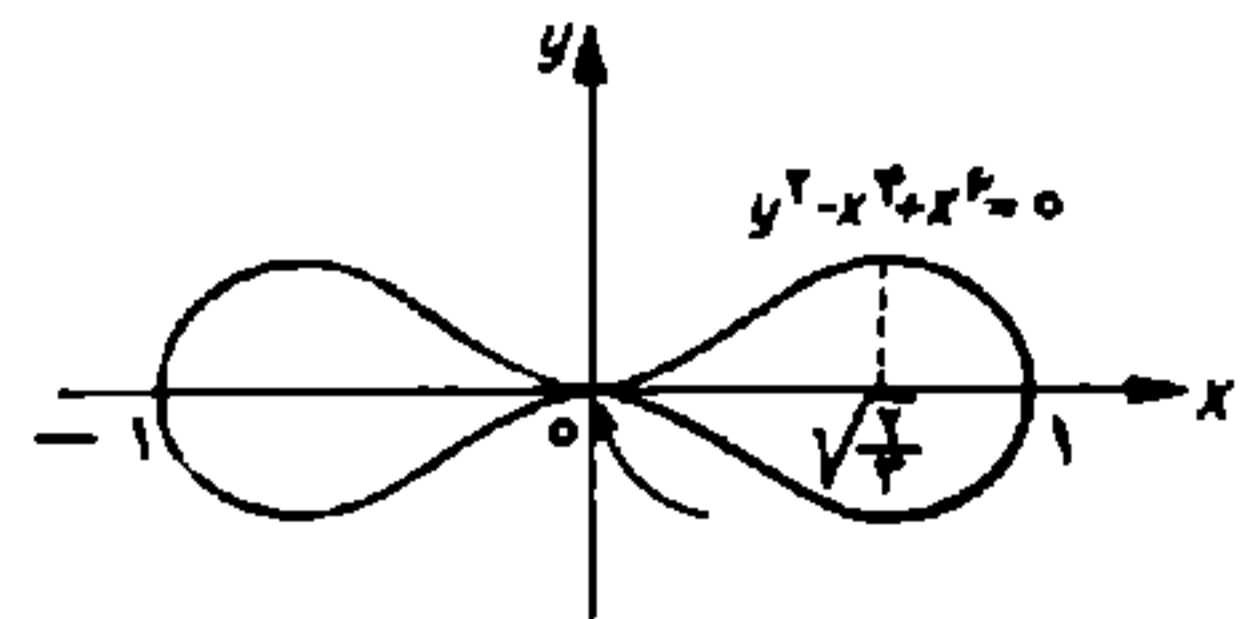
نقطه عطف - نقطه تغییر تحدب یک منحنی سطح



Point of intersection

نقطه تقاطع - نقطه تلاقی

Point of osculation نقطه بوسان



Point of tangency نقطه تماس

Point of view دیدگاه - نقطه نظر

Point set topology

توپولوژی مجموعه نقاط - مطالعه عمومی فضاها و توپولوژیک

Point space فضای نقطه‌ای

Pointwise convergence

همگرایی نقطه‌ای - همگرایی نقطه به نقطه - دنباله توابع  $f: S \rightarrow T$  رابطه‌ای به تابع  $f: S \rightarrow T$  همگرا می‌نامیم هرگاه به ازای هر  $x$  از  $S$  دنباله  $f(x)$  به  $f(x)$  همگرا باشد .

Pointwise convergent

همگرایی نقطه‌ای - نقطه به نقطه همگرا

Pointwise convergent sequence

دنباله همگرای نقطه‌ای - دنباله نقطه به نقطه همگرا

Poise

توازن - ثبات - آونگ یا وزنه ساعت

Poisson density function

تابع چگالی پواسون - تابع چگالی احتمال در توزیع پواسون

Poisson distribution

توزیع پواسون - توزیع  $p(x) = e^{-a} \frac{a^x}{x!}$  که میانگین و پراش این توزیع می‌باشد.

Poisson's equation

معادله پواسون - معادله دیفرانسیل پواسون - معادله دیفرانسیل  $\nabla^2 V = f$  را که در آن  $f$  تابعی معلوم و  $V$  تابعی مجهول است.

Poisson's integral formulas

روابط انتگرال پواسون

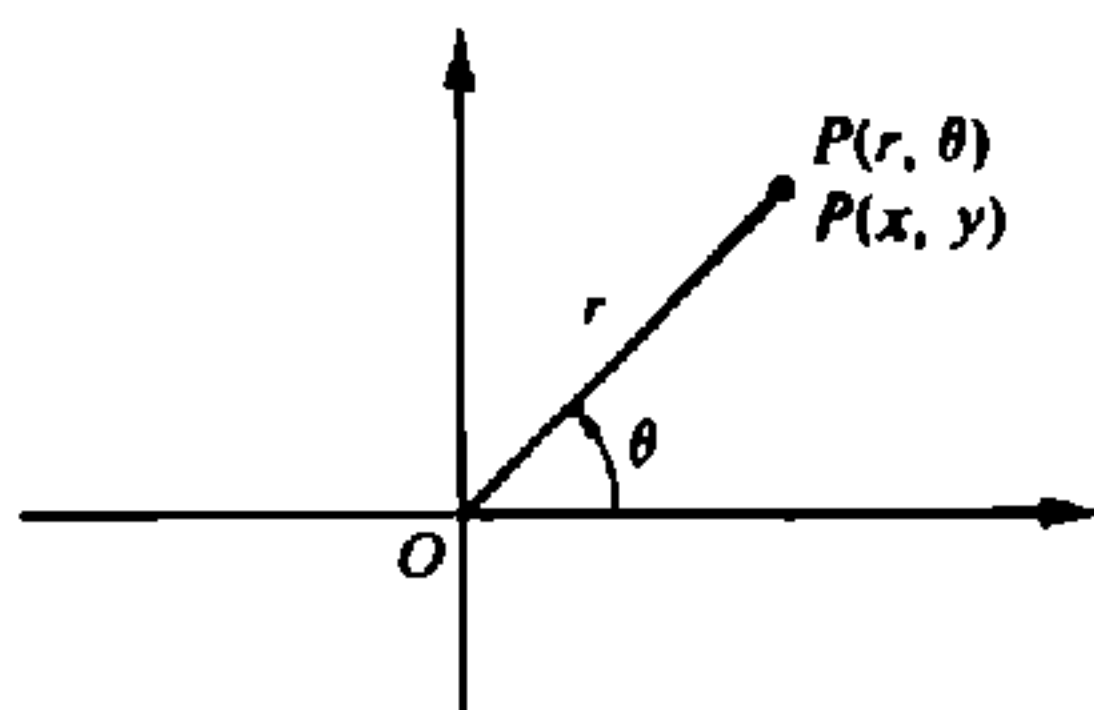
Polar قطبی

Polar angle زاویه قطبی

Polar circle of a triangle

دایره قطبی یک مثلث - دایره قطبی مثلث غیر مشخص  $ABC$  دایره‌ای است به مرکز محل تقاطع ارتفاعات مثلث و شعاع  $R^2 = \frac{1}{4}(a^2 + b^2 + c^2) - r^2$  که در آن  $R$  شعاع دایره محیطی مثلث می‌باشد.

Polar coordinates مختصات قطبی



$$\begin{cases} x = r \cos \theta \\ y = r \sin \theta \end{cases} \quad \begin{cases} r = \sqrt{x^2 + y^2} \\ \theta = \tan^{-1} \frac{y}{x} \end{cases}$$

Polar equation معادله قطبی

Polar form of a complex number

صورت قطبی یک عدد مختلط - صورت

قطبی عدد مختلط  $x + iy$  عبارتست از

$$re^{i\theta} = r(\cos \theta + i \sin \theta)$$

که در آن  $r = \sqrt{x^2 + y^2}$ ,  $\theta = \arctan \frac{y}{x}$

Polarizability قابلیت قطبی شدن

Polarization عمل قطبی کردن

Polarized قطبی شده

Polar line خط قطبی

Polar plane صفحه قطبی

Polar tangent مماس قطبی

Polar tangent plane

صفحه مماس قطبی

Polar transformation تبدیل قطبی

Polar triangle

مثلث قطبی - مثلث کروی که رئوس آن قطبهای اضلاع یک مثلث کروی دیگر هستند.

Pole قطب - تیر - پل

Pole of a complex function

قطب تابع مختلط - هرگاه عدد طبیعی  $n$  موجود باشد بطوریکه:

$$\lim_{z \rightarrow z_0} (z - z_0)^n f(z) = A \neq 0$$

آنگاه  $z_0$  را قطبی از مرتبه  $n$  برای تابع  $f$  گویند.

Pole of coordinate system

قطب دستگاه مختصات

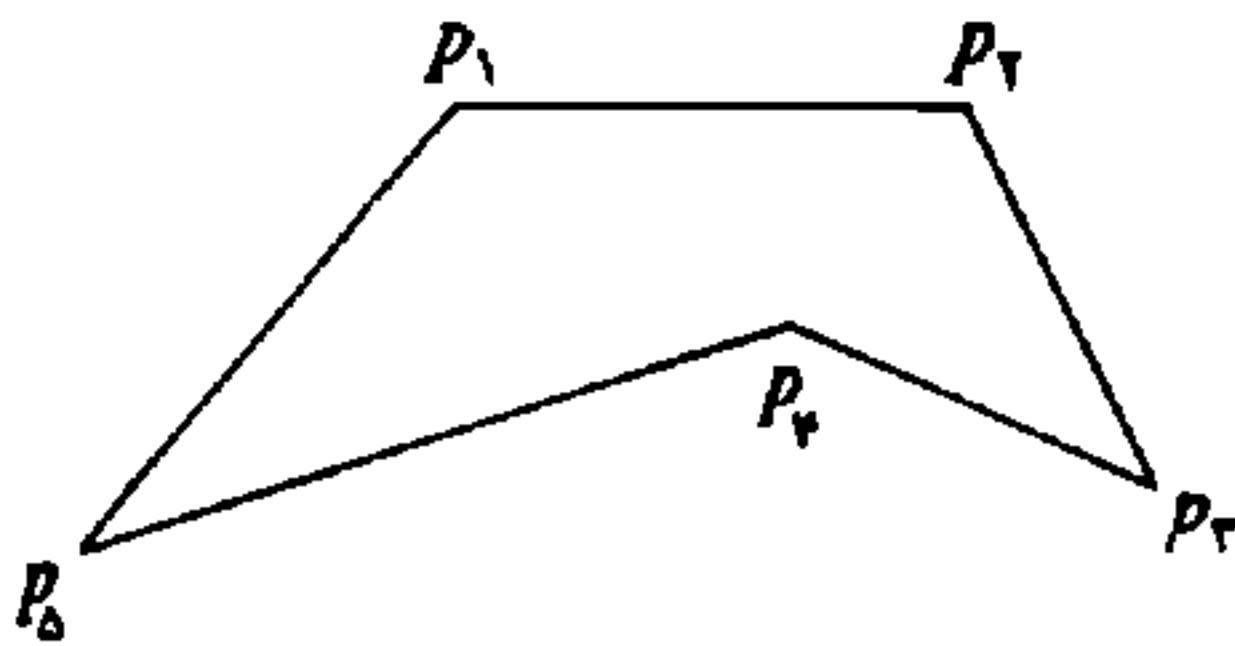
Pole of stereographic projection

قطب تصویر استریو گرافیک - قطب تصویر

برجسته

Poly پیشوندی به معنی "چند"

Polygon چند ضلعی -

 $P_1, P_2, \dots, P_n$  شکل مسطحی که با نقاطو پاره خطهای  $P_0P_1, P_1P_2, P_2P_3, \dots, P_{n-1}P_n, P_nP_1$  مشخص می شود.

Polygonal چند ضلعی شکل

Polygonal arc کمان چند ضلعی شکل

Polygonal curve

منحنی چند ضلعی شکل

Polygonally بطور چند ضلعی

Polygonally connected

مرتبط چند ضلعی

Polygonal numbers اعداد چند ضلعی

Polygonal path مسیر چند ضلعی

Polygon of forces چند ضلعی نیروها

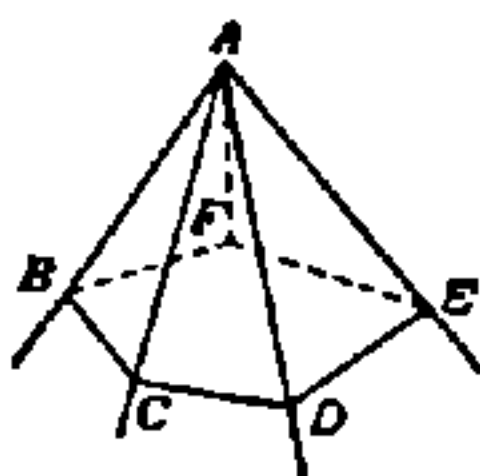
Polygram شکل چند ضلعی

Polyhedral

چند وجهی - مربوط به چند وجهی

Polyhedral angle

کنج - شکل متشکل از وجوه یک چند وجهی که در یک رأس مشترکند.



Polyhedric

چند وجهی - مربوط به چند وجهی

Polyhedron چند وجهی

Polymorphic چند شکل - چند صورت

Polynomial

چند جمله‌ای - عبارتی به صورت  $\sum_{i=1}^n b_i x_1^{(i)} \dots x_n^{(i)}$  را که در آن توانها اعداد صحیح و نامنفی می باشند، یک چند جمله‌ای بر حسب  $x_1, x_2, \dots, x_n$  می نامند.

Polynomial equation

معادله چند جمله‌ای

Polynomial expression

عبارت چند جمله‌ای

Polynomial function تابع چند جمله‌ای

Polynomial inequality

نامساوی چند جمله‌ای

Polynomial in n variable

چند جمله‌ای «متغیره»

Poncelet-Steiner construction theorem

قضیهٔ ترسیمی پونسوله - اشتاینر - اگر در صفحهٔ ترسیم دایره‌ای با مرکزش داده شده باشد آنگاه هر ترسیم ممکنه بوسیلهٔ خطکش و پرگار را میتوان در این صفحه فقط با خطکش انجام داد.

Pons asinorum

پل حمار - قضیهٔ پنجم کتاب اول اقلیدس، در هر مثلث متناوبی الساقین زوایای مقابل به دو حاق با هم برابرند.

Poor decision تصمیم سست

Population جمعیت

Portion	بخش - قسمت - جز	Positive quantity	کمیت مثبت
Posit		Positive semidefinite	مثبت نیمه معین
قرار دادن - ثابت کردن - فرض کردن - فرض		Positive semidefinite matrix	
Position	وضعیت - موقعیت	ماتریس مثبت نیمه معین	
Position vector		Positive variation	تغییر مثبت
بردار وضعیت - بردار مکان		Possess	
Positive	مثبت	متصرف بودن - دارا بودن - داشتن -	
Positive angle		دارا شدن - متصرف شدن	
زاویه، مثبت - زاویه، جاروب شده توسط		Possession	
شعاعی که در خلاف جهت عقربه‌های ساعت		تصرف - مالکیت - دارائی - ثروت	
دوران میکند .		Possessor	دارا - متصرف - مالک
Positive axis		Possibility	امکان - احتمال
محور مثبت - نیمه، مثبت محور		Possible	
Positive definite form	فرم معین مثبت	شدنی - ممکن - میسر - مقدور - امکان پذیر	
Positive definite matrix		Possible error	خطای ممکن
ماتریس معین مثبت		Possible outcome	نتیجه، ممکن
Positive definite quadratics		Posterior	
عبارات مجذوری معین مثبت		عقبی - پی - خلفی - عقب‌تر - دیرتر -	
Positive error	خطای مثبت	بعد از	
Positive integer power function		Post meridiem (PM, pm)	
تابع توانی با توان صحیح مثبت		بعد از ظهر	
Positive integers	اعداد صحیح مثبت	Postulate	اصل موضوع - قیاس منطقی
Positively	بطور مثبت	Postulates of Euclid	
Positively oriented path		اصول موضوعه، اقلیدس	
مسیر با جهت مثبت		Postulatum	اصل موضوع
Positiveness	کیفیت مثبت بودن	Potency	توان - قدرت - توانائی
Positive number	عدد مثبت	Potential	
Positive part		پتانسیل - عامل بالقوه - عامل بالفعل -	
جز، مثبت - قسمت مثبت		ذخیره‌ای - نهائی	
Positive part of a function		Potential theory	
جز، مثبت یک تابع		نظریه، پتانسیل - مطالعه، جوابهای معادله	



لاپلاس و بخصوص توابع همساز	Precipitation	تسریع - تعجیل
Power توان - قوه - نما - قوت	Precise	دقیق
Powerful توان - نیرومند - توانا	Precisely	دقیقا - صریحا
Power function تابع توانی	Precision	دقت - صراحت - درستی
Power of a point	Precision factor	ضریب دقت
قوت نقطه - قوت نقطه 'P نسبت به دایره‌ای به مرکز O و شعاع r عبارتست از:	Precondition	پیش شرط - پیش نیاز - قبلا " شرط کردن
$OP^2 = r^2$	Predecessor	اسبق - سابق - قبلی
Power of the continuum	Predicate	محمول - مسند - استناد کردن - اعلام کردن
قوت متصله - عدد اصلی مجموعه اعداد حقیقی	Predicate calculus	حساب محمولات
Power series	Predication	اعلام
سلسله توانی - سری توانی - عبارتی به صورت $\sum_{i=0}^{\infty} a_i (x - x_0)^i$ را یک سلسله توانی می‌نامند.	Predict	پیش گوئی کردن
Power series expansion of a function - بسط یک تابع به سری توانی - بسط یک تابع بصورت سری توانی	Prediction	پیش گوئی
Power series expansion of a polynomial in two variables	Preface	پیشگفتار - مقدمه
بسط توانی یک چند جمله‌ای دو متغیره	Prefix	پیشوند
Power set	Preimagine	از پیش تصور کردن ، پیش انگاشتن
مجموعه توانی - مجموعه متشکل از کلیه زیرمجموعه های مجموعه S را مجموعه توانی S می‌نامند.	Preliminaries	مقدمات
Practical عملی	Premise	صغری و کبری قیاس - فرض مقدم
Practice تمرین	Premiss	فرض مقدم - مقدمه
Precede مقدم بودن	Prerequisite	پیشنیاز
Preceding پیشین - قبلی	Preserve	نگهداشتن - حفظ کردن
Precession	Pressure	فشار
تقدم - سبقت - انحراف مسیر	Presuppose	پیش فرض - از پیش فرض کردن
	Previous	پیشین - قبلی
	Prevision	پیش بینی
	Primal	ابتدائی - اساسی - اولیه
	Primality	اول بودن

Primary اولیه - ابتدائی  
 Prime اول - عدد اول  
 Prime divisor مقسوم علیه اول  
 Prime factor فاکتور اول - عامل اول  
 Prime ideal ایده آل اول - ایده آل  $I$  از حلقه جابجائی  $R$  را یک ایده آل اول میگویند هرگاه :  

$$r, s \in R, r \cdot s \in I \Rightarrow r \in I \vee s \in I$$
  
 Primeness اول بودن - کیفیت اول بودن  
 Prime number عدد اول - عددی که جز بر یک و خودش بر عدد دیگری قابل قسمت نباشد .  
 Prime number theorem قضیه اعداد اول - اگر  $(x \geq 1)$  و  $\pi(x)$  نمایشگر تعداد اعداد اول نابیشتر از  $x$  باشد آنگاه:  

$$\lim_{x \rightarrow \infty} \pi(x) \frac{\log x}{x} = 1$$
  
 Prime polynomial چند جمله ای اول - چند جمله ایی که جز خودش و یک عاملی ندارد .  
 Primes in arithmetic progression اعداد اول در تصاعد حسابی - اگر  $a$  و  $b$  دو عدد طبیعی متباین باشند آنگاه تصاعد حسابی  

$$a, a + b, a + 2b, a + 3b, \dots$$
  
 دارای بی نهایت عدد اول خواهد بود .  
 Primeter محیط  
 Prime - triplet سه تایی اول - اعداد صحیح  $p, p + 2, p + 6$  را که هر سه اول باشند یک سه تایی اول میگویند .

Primitive اولیه - ابتدائی  
 Primitive function تابع اولیه  
 Primitive polynomial چند جمله ای اولیه - چند جمله ای  $f(x) = a_0 + a_1x + \dots + a_nx^n$  را که در آن  $a_i$  ها اعدادی صحیح هستند، یک چند جمله ای اولیه گویند هرگاه بزرگترین مقسوم علیه مشترک  $a_0, \dots, a_n$  برابر با یک باشد .  
 Primitive principle اصل اولیه  
 Primitive pythagorean triple سه تایی اولیه فیثاغورثی - اعداد صحیحی مانند  $x, y, z$  که  $x^2 + y^2 = z^2$  بوده و بزرگترین مقسوم علیه مشترک آنها یک باشد .  
 Primitive root ریشه اولیه - یک ریشه  $n$  ام واحد که برای هیچ  $m < n$  ریشه  $m$  ام واحد نیست .  
 Principal اصلی - عمده  
 Principal Axis محور اصلی  
 Principal branch شاخه اصلی - در مورد توابع مختلط چند مقداری، انتخابی از مقادیر تابع که موجب پدید آمدن تابعی تک مقداری اصلی گردد  
 Principal diagonal of a matrix قطر اصلی ماتریس  
 Principal ideal ایده آل اصلی - در حلقه  $R$  ایده آل اصلی تولید شده بوسیله  $a \in R$  عبارتست از کوچکترین ایده آل شامل  $a$   
 Principal ideal ring حلقه ایده آل اصلی - حلقه ای که هر ایده آل آن یک ایده آل اصلی است .

Principal normal قائم اصلی

Principal part جزء اصلی - بخش اصلی

Principal parts of a triangle

اجزاء اصلی مثلث

Principal period

دوره، تناوب اصلی - پریود اصلی

Principal planes of a quadric surface

صفحات اصلی یک سطح درجه دوم

Principal remainder باقیمانده اصلی

Principal root of a number

ریشه اصلی یک عدد - ریشه حقیقی و مثبت

یک عدد مثبت و یا در حالتی که فرجه فرد

باشد ریشه حقیقی و منفی یک عدد منفی

Principal sections مقاطع اصلی

Principal square root

ریشه دوم اصلی - جذر اصلی

Principal unit normal قائم یکه اصلی

Principal value مقدار اصلی

Principal value of an integral

مقدار اصلی یک انتگرال

Principal value of argument

مقدار اصلی آرگومان

Principal value of logarithm

مقدار اصلی لگاریتم

Principle اصل - قاعده کلی

Principle of counting اصل شمارش

Principle of deformation

اصل تغییر شکل

Principle of detailed balance

اصل تعادل جز به جز

Principle of duality اصل دوگانگی

Principle of duality in a spherical triangle

اصل دوگانگی در مثلث کروی

Principle of extension اصل گسترش

Principle of generalization

اصل تعمیم

Principle of induction اصل استقراء

Principle of mathematical induction

اصل استقراء ریاضی

Principle of the maximum

اصل ماکزیمم - اگر تابع مختلط  $f$  در

حوزه‌ای غیر ثابت و تحلیلی باشد آنگاه

$|f(z)|$  دارای هیچ مقدار ماکزیممی در

داخل آن حوزه نیست

Principle of the minimum

اصل می‌نیمم - اگر تابع مختلط  $f$  در

حوزه‌ای غیر ثابت و تحلیلی بوده و همواره

مخالف صفر باشد آنگاه  $|f(z)|$  دارای هیچ

مقدار می‌نیممی در داخل آن حوزه نیست.

Prior قبلی - پیشین - اولیه

Prior deduction استنتاج یا قیاس قبلی

Priority تقدم

Prior to مقدم بر

Prism منشور

Prismatic surface

رویه منشوری - سطح منشوری - رویسه

حادث از حرکت خطی متکی به یک خط

شکسته، سطح و هموازات امتدادی معین که

با خط شکسته مزبور هم سطح نباشد

Prismatoid پریسماتوئید -

نوعی چند وجهی که تمام رئوس آن در دو صفحه موازی قرار داشته باشند

منشور وار - Prismoid

نوعی چند وجهی که دو چند ضلعی موازی قواعد فوقانی و تحتانی آنرا تشکیل میدهند، وجوه جانبی آن مثلث و یا ذوزنقه میباشند.

محتمل Probabilistic

احتمال Probability

منحنی احتمال Probability curve

Probability density function

تابع چگالی احتمال

Probability distribution

پخش احتمال - توزیع احتمال

Probability generating function

تابع مولد احتمال

Probability integral

انتگرال نظریه احتمال

$$\int_0^{\infty} e^{-x^2} dx = \frac{\sqrt{\pi}}{2}$$

مثلث احتمال Probability triangle

بردار احتمال Probability vector

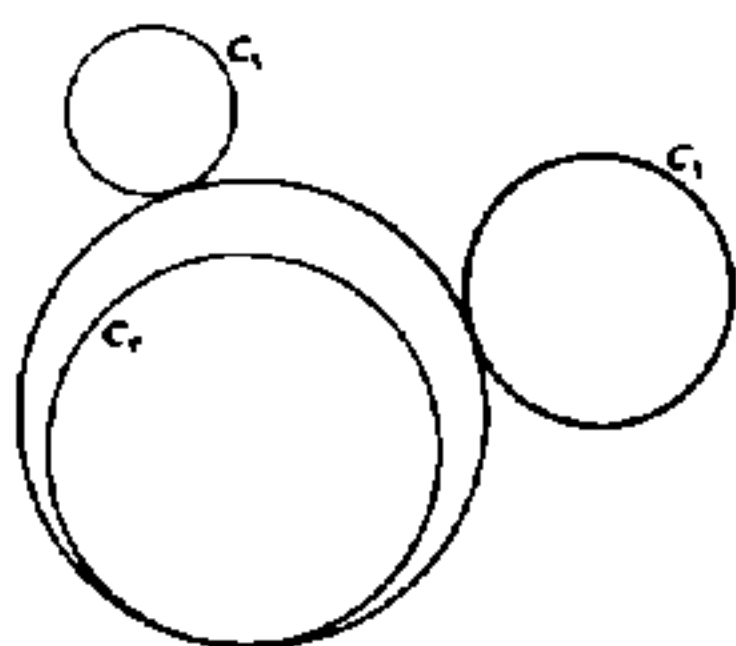
محتمل Probable

جستجو - کاوش - جستجو کردن Probe

مسئله - مشکل Problem

Problem of Apollonius

مسئله آپولونیوس - ترسیم دایره‌ای که بر سه دایره مفروض  $C_1, C_2, C_3$  مماس باشد.



مجموعه مسائل Problem set

Procedure

طرز عمل - شیوه - روش - آئین

Proceed

پیش رفتن - حاصل شدن - اقدام

Proceeding

اقدام - جریان - عمل

process

روند - فرآیند - طرز عمل - پروسه

Produce

تولید کردن

Produce a line

امتداد دادن یک خط

Product

حاصلضرب - ضرب - محصول - فرآورده

Product formulas

روابط حاصلضرب

Product function

تابع تولید - رابطه بین میزان تولید و

عوامل تولید

Production

تولید

Product notation

نماد ضرب

Product of matrices

حاصلضرب ماتریسها - حاصلضرب ماتریس

$A = [a_{ij}]_{n \times n}$  در ماتریس  $B = [b_{ij}]_{n \times n}$  که در

آن  $p = n$ ، عبارت است از ماتریس

$$AB = [C_{ij}]_{n \times n} \text{ به طوری که } C_{ij} = \sum_{k=1}^n a_{ik} b_{kj}$$

Product of metric spaces

حاصلضرب فضاهاى متریک

Product of topological spaces

حاصلضرب فضاهاى توپولوژیک

Product of two mappings

ترکیب دو نگاشت

Product of two roots

حاصلضرب دو ریشه

Produt of two sequences

حاصلضرب دو دنباله

Product set

مجموعه حاصلضرب

Product sign

علامت ضرب

Product space

فضای حاصلضربی - اگر  $\{X_\alpha\}_{\alpha \in I}$  گردایه‌ای اندیس شده از فضاهاى توپولوژى باشد ، آنگاه  $\prod_{\alpha \in I} X_\alpha$  را که توپولوژى تعريف شده بر آن توپولوژى حاصلضربی باشد فضای حاصلضربی می‌نامند .

Product topology

توپولوژى حاصلضربی - گیریم  $\{X_\alpha\}_{\alpha \in I}$  گردایه اندیس شده‌ای از فضاهاى توپولوژى باشد . به ازاء هر  $\beta \in I$  نگاشت  $X_\beta \rightarrow \prod_{\alpha \in I} X_\alpha$  با ضابطه  $\pi_\beta(x_\alpha) = x_\beta$  اندیس  $\beta$  ام نامیده می‌شود در نظر گرفته و قرار میدهیم

$$S_\beta = \{ \pi_\beta^{-1}(V_\beta) \mid V_\beta \text{ در } X_\beta \text{ باز است} \}$$

گردایه  $S = \bigcup_{\beta \in I} S_\beta$  زیر مبنائی برای  $\prod_{\alpha \in I} X_\alpha$  است که توپولوژى زاده از آن را توپولوژى حاصلضربی بر  $\prod_{\alpha \in I} X_\alpha$  می‌نامیم .

Profile نیمرخ - برش قائم - نمودار

Profit بهره - سود

Profit function تابع سود

Program برنامه

Programming برنامه ریزی

Progress پیشرفت کردن - پیشرفت

Progression تصاعد

Progressional بطور تصاعدى

Progressive تصاعدى

Progressively

بطور تصاعدى - بطور پیشرو

Project طرح - نقشه - تصویر کردن

Projectile پرتابه - موشک

Projecting عمل تصویر کردن

Projecting plane of a line in space

صفحه تصویر یک خط در فضا

Projection تصویر

Projection plane صفحه تصویر

Projective تصویری

Projective geometry

هندسه تصویری - مطالعه خواصی از شکلهای هندسی که تحت تصویرها یا می‌مانند

Projective mapping نگاشت تصویری

Projective plane صفحه تصویری

Projective space فضای تصویری

Projective transformation

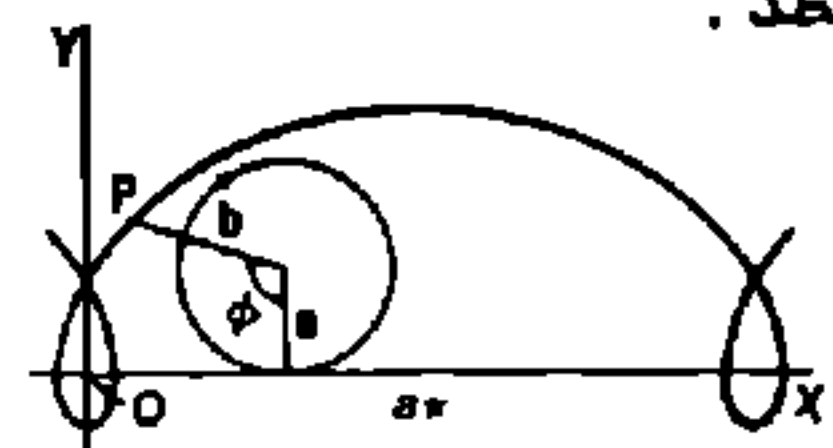
تبدیل تصویری

Projector مصور

Prolate منبسط - کشیده شده

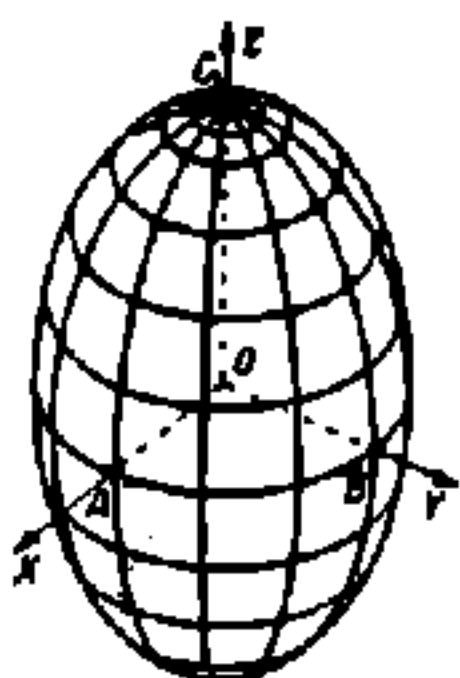
Prolate cycloid

سیکلوئید کشیده - مکان هندسی نقطه‌ای خارج از یک دایره که روی خط راستی می‌فلطد .



Prolate spheroid

کره گون کشیده - بیضوی حاصل از دوران یک بیضی حول محور اطول آن ( شکل در صفحه بعد )



Prolong امتداد دادن

Prolong a line امتداد دادن یک خط

Promissory note سفته

Proof اثبات - برهان

Proof by cases اثبات به طریق حالات

Proof by contradiction

اثبات با استفاده از تناقض - برهان خلف

Proof by descent

اثبات به طریق نزول

Proof by induction اثبات استقرائی

Proof of accuracy اثبات صحت

Proof of existence اثبات وجود

Proof of uniqueness اثبات یکتائی

Propagate منتشر کردن - وسعت دادن

Propagation توسعه - تکثیر - افزایش

Propagation of error

تکثیر خطا - تکرار خطا

Proper

ویژه - سره - خاص - صحیح - دقیق -

واقعی - درست

Proper divisor مقسوم علیه واقعی

Proper fraction

کسر واقعی - کسر ویژه - کسری که صورت

آن کوچکتر یا دارای درجه‌ای پایین‌تر از

مخرج آن می‌باشد

Proper inclusion

جزئیت حقیقی - جزئیت واقعی

جزئیت ویژه

Properly divergent بطور ویژه واگرا

Proper subset

زیر مجموعه ' سره - مجموعه حقیقی - زیر

مجموعه ' محض

Property خاصیت - ویژگی

Propitious مساعد

Proportion تناسب

Proportionable متناسب

Proportionably

بطور متناسب - متناسباً

Proportionality تناسب

Proportionality constant

ضریب تناسب

Proportional limit

حد الاستیمه - حد تناسب

Proportional to متناسب با

Proportionate

متناسب - درخور - متناسب کردن

Proportionately

به تناسب - بطور متناسب - متناسباً

Proportionless بی تناسب - بی تقارن

Proportionment متناسب سازی

Proposition گزاره

Propositional گزاره‌ای

Propositional calculus حساب گزاره‌ها

Propositional formula فرمول گزاره‌ای

Propositional function

تابع گزاره‌ای - تابع گزاره نما

Propositional variable

متغیر گزاره‌ای

Protract

طول دادن - دراز کردن -

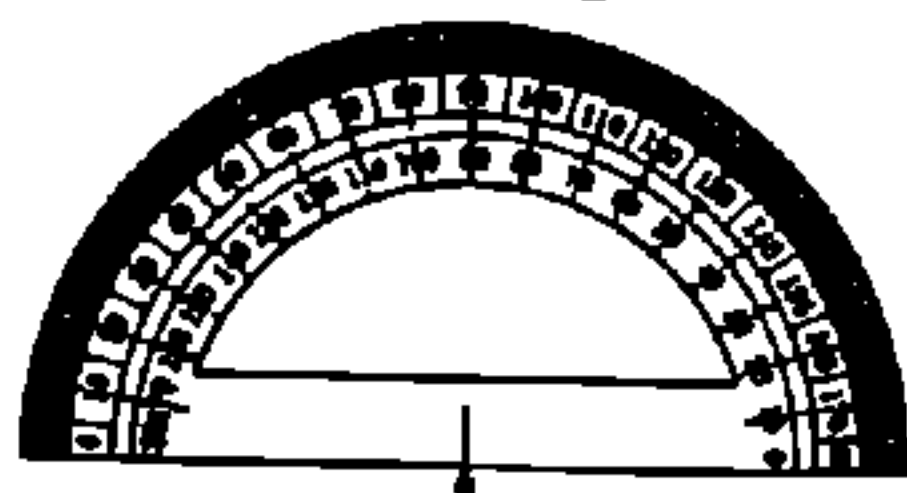
امتداد دادن - کش دادن

Protraction

امتداد

Protractor

نقالد - زاویه سنج



Provable

ثابت شدنی - قابل اثبات

Prove

ثابت کردن

Provide

فراهم ساختن - تأمین کردن

Pseudo

پیشوندی به معنی جعلی -

بدلی - کاذب - شبه

Pseudoprime

شبه اول - عدد طبیعی  $n$  را شبه اول گویندهرگاه  $2 - 2^n \mid n$  و  $n$  عددی غیر اول باشد.

کوچکترین چهار عدد شبه اول عبارتند

از ۳۴۱، ۵۶۱، ۶۴۵ و ۱۱۰۵

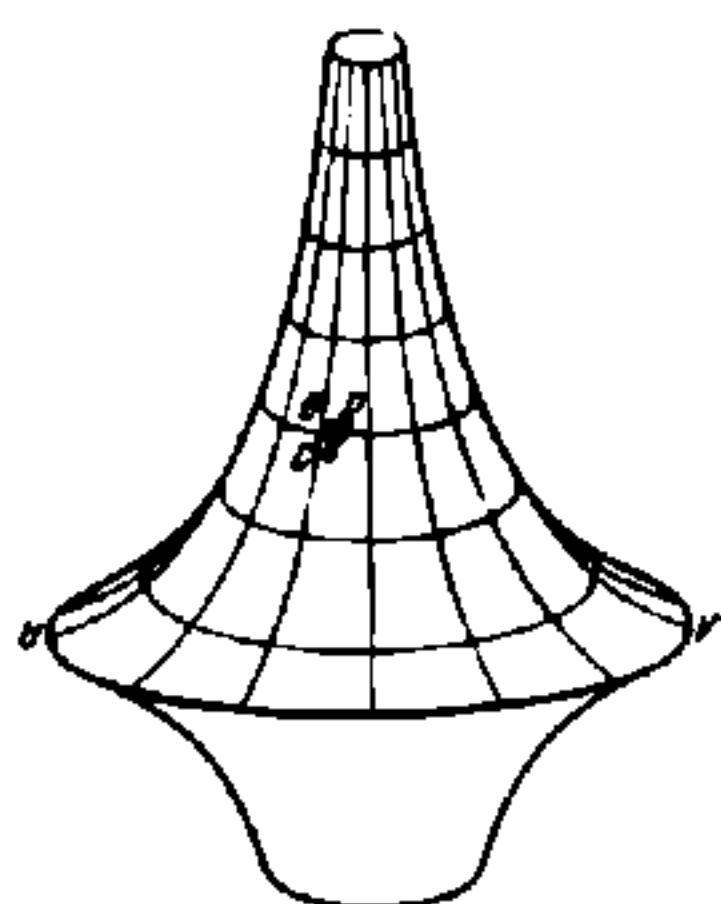
Pseudoscience

شبه علم

Pseudosphere

کره کاذب - ساده ترین سطحی که دارای

انحنای ثابت منفی است.



Psi function

تابع پسی - تابع

$$\psi(z) = \frac{d}{dz} \ln \Gamma(z)$$

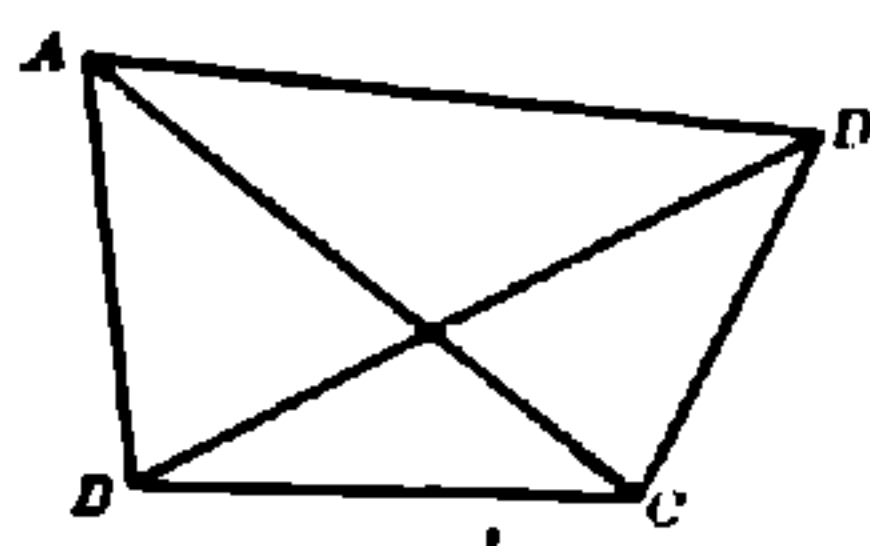
که در آن  $\Gamma$  نمایشگر تابع گاما می باشد.

Ptolemy's theorem

قضیه بطلمیوس - در هر چهار ضلعی محاطی

حاصل ضرب دو قطر برابر است با مجموع

حاصل ضربهای اضلاع مقابل



$$\overline{AC} \cdot \overline{BD} = \overline{AB} \cdot \overline{CD} + \overline{AD} \cdot \overline{BC}$$

Pulvinate

محدب

Punch card

کارت منگنه

Punctured neighborhood

همسایگی محذوف

Pure

محض - خالص

Pure geometry

هندسه محض -

هندسه از دیدگاه اصول موضوعه

Pure imaginary

موهومی محض - مطلقاً "موهومی"

Pure imaginary number

عدد موهومی محض - عدد مختلط  $z = x + iy$ که در آن  $x = 0$  و  $y \neq 0$ 

Pure mathematics

ریاضیات محض - مطالعه ذاتی ساختارهای

ریاضی بدون در نظر گرفتن کاربرد آنها

Pure recurrent fraction

کسر متناوب ساده

Purpose	هدف - منظور
Pursuit problem	مسئله تعقیب
Pyramid	هرم
Pyramidal surface	
	رویه هرمی - سطح هرمی - رویه حاصل از یک خط گذرنده از نقطه‌ای ثابت که متکی به یک خط شکسته سطح و غیر هم صفحه با آن نقطه حرکت میکند.
Pyramidical	هرمی
Pyramidically	بطور هرمی - هرم وار
Pyramid numbers	اعداد هرمی
Pythagoras' theorem	
	قضیه فیثاغورث - در هر مثلث قائم الزاویه مربع وتر برابر مجموع مربعات دو ضلع دیگر است.
Pythagorean	
	فیثاغورشی - مربوط به فیثاغورث
Pythagorean numbers	
	اعداد فیثاغورشی - هر سه عدد صحیح و مثبت که در رابطه $x^2 + y^2 = z^2$ صدق می‌کنند
Pythagoreans	
	فیثاغورشیان - پیروان مکتب فیثاغورث
Pythagorean triangle	
	مثلث فیثاغورث - هر مثلث قائم الزاویه که طول اضلاع آن با اعداد صحیح بیان شود.
Pythagorean triple	
	سه تایی فیثاغورشی - اعداد فیثاغورشی

